

کارکردهای موافقت‌نامه انتقال دزد دریایی

جواد صالحی^۱

چکیده

دولت دستگیرکننده دزد دریایی در دریاهای آزاد تمایل دارد او را با استناد به موافقت‌نامه انتقال دزد دریایی به دولت منطقه‌ای تحویل دهد تا عدالت کیفری نسبت به وی از طریق اعمال اصل صلاحیت جهانی دولت ثالث محقق شود. این در حالی است که دزد دریایی را دولت دستگیرکننده نیز به استناد اصل صلاحیت جهانی بازداشت کرده است و واگذاری آن، واجد چالش‌هایی جدی است. از این حیث، بررسی کارکرد موافقت‌نامه انتقال دزد دریایی با معیارهای مقرر در کنوانسیون حقوق دریاهای اصل صلاحیت جهانی هدف اصلی این نوشتار است که با روش توصیفی مدنظر قرار گرفته است. سؤال اصلی پژوهش این است که کارکرد موافقت‌نامه انتقال دزد دریایی با اتکا به اصل صلاحیت جهانی و مقررات کنوانسیون حقوق دریاهای چیست؟ یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دولت دستگیرکننده در پرتو اصل صلاحیت جهانی مقرر در ماده ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاهای مکلف به اعمال صلاحیت کیفری کامل از دستگیری تا مجازات دزد دریایی است. لیکن آن دولت فقط قسمت اول آن را برعهده می‌گیرد و قسمت دوم آن را به دولت منطقه‌ای واگذار می‌کند که با آن دولت موافقت‌نامه انتقال دزد دریایی را تنظیم کرده است. این تقسیم کار در اعمال صلاحیت کیفری از مقررات ماده ۱۰۰ کنوانسیون حقوق دریاهای در ارتباط با تعهد خاص دولت‌های عضو به همکاری در مقابله با دزدی دریایی در دریاهای آزاد نشأت می‌گیرد و تجویز شده است؛ اما با اصول صلاحیت کیفری شخصی، سرزمینی و واقعی در سایر جرائم و قلمروهای دریایی هم‌خوانی ندارد.

کلیدواژه‌ها: موافقت‌نامه انتقال دزد دریایی، دولت منطقه‌ای، دولت دستگیرکننده، اصل صلاحیت جهانی، کنوانسیون حقوق دریاهای.

^۱ - دانشیار گروه حقوق دانشگاه پیام‌نور، تهران، ایران، نویسنده مسئول: Javadsalehi@pnu.ac.ir

The Functions of the Pirate Transfer Agreement

Javad Salehi¹

Associate professor, Payam-e-Noor university

Abstract

Seizing state of pirate in the high seas tends to submit to the regional state based on the pirate transfer agreement. Criminal justice can be done to him by applying the principle of universal jurisdiction to a third state. Meanwhile, the seizing state has also been detained based on universal jurisdiction, and his submission presents serious challenges. In this respect, this article's primary purpose is to examine the pirate transfer agreement's function with the criteria laid down in the UNCLOS and the principle of universal jurisdiction based on the descriptive-analytic method. The research's central question is, what are the pirate transfer agreement's function with the principle of universal jurisdiction and the provisions of the UNCLOS? The study's findings show that the seizing state, in light of the universal jurisdiction principle provided in article 105 of the UNCLOS, is required to exercise full criminal jurisdiction from arrest to punishment. But seizing state handles the first part and entrusts the second part to the regional state with which the seizing state has arranged the pirate transfer agreement. This division stems from the exercise of criminal jurisdiction. It prescribes by article 100 of the UNCLOS in connection with states' specific obligation to cooperate in the fight against piracy on the high seas. But it does not comply with the principles of personal, territorial, and protective criminal jurisdiction in other offenses and territorial seas.

Keywords: Pirates Transfer Agreement, Regional State, Seizing State, Principle of Universal Jurisdiction, United Nations Convention on the Law of the Sea.

مقدمه

دولت‌ها در پرتو اصل صلاحیت جهانی مکلف به تعقیب و محاکمه دزدان دریایی هستند، زمانی که کشتی و نیروی نظامی آن‌ها در دریاهای آزاد با دزدان دریایی مواجه می‌شوند که نسبت به سایر کشتی‌ها متعرض و مرتکب رفتارهای مجرمانه شده‌اند. این رویکرد با تعهدات دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاهای ناشی از مقررات ماده ۱۰۰ کنوانسیون حقوق دریاهای هم‌خوانی دارد. بر این اساس دولت‌های عضو کنوانسیون مکلف به تعقیب و جلوگیری از آزادی دزدان دریایی هستند که آن‌ها را در دریاهای آزاد دستگیر کرده‌اند. هرچند که محاکم کیفری این دولت‌ها در ماده ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاهای با قید «می‌توانند» در امر محاکمه دزدان دریایی مخاطب قرار گرفته‌اند، لیکن این رویکرد به معنای «جواز» تعقیب

¹ Corresponding Author: Javadsalehi@pnu.ac.ir

و محاکمه یا مجوز اعمال صلاحیت قضایی است، قبل از این که به معنای «اختیار» در تعقیب و محاکمه یا صرف نظر کردن از آن باشد. دولت دستگیرکننده و محاکم کیفری متبوع آن حق ندارند که از اعمال صلاحیت کیفری نسبت به دزدان دریایی پس از دستگیری آن‌ها صرف نظر کنند و به آزادی بدون محاکمه آن‌ها مبادرت ورزند. مقررات ماده ۱۰۰ کنوانسیون حقوق دریاها نیز مؤید این تفسیر است.

قطعنامه‌های متعدد شورای امنیت بر اساس فصل ۷ منشور سازمان ملل متحد نیز بر ضرورت تحقیق، تعقیب و مجازات دزدی دریایی تأکید دارند. در غیر این صورت تلاش جامعه بین‌المللی در مبارزه با دزدی دریایی تضعیف می‌شود.^۱ چنان که نیروی دریایی تحت امر شورای امنیت سازمان ملل متحد به موجب الزامات ناشی از قطعنامه‌های متعدد در دستگیری و تحویل آن‌ها به دولت‌های منطقه‌ای درگیر در مسئله دزدی دریایی متعهد است. سایر دولت‌های دارای نیروی دریایی در دریاها آزاد نیز با تبعیت از همین الگو به دستگیری دزدان دریایی می‌پردازند، لیکن پس از توقیف تجهیزات و شناور در اختیار به آزادی آن‌ها می‌پردازند. این در حالی است که آزاد کردن دزدان دریایی پس از دستگیری و توقیف اموال آن‌ها در دریاها آزاد، هم نقض تعهد دولت‌ها به تعقیب، محاکمه و مجازات جرائمی است که امنیت دریایی را تحت الشعاع قرار داده‌اند و هم به معنای نادیده گرفتن تلاش سایر دولت‌ها در مبارزه با فعالیت‌های مجرمانه در دریاها است. این رویکرد از سوی دولت‌هایی است که اتفاقاً خود را ملزم به تبعیت از مصوبات و تفاسیر ارکان سازمان ملل متحد از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها در لزوم مبارزه با دزدی دریایی می‌دانند. واقعیت این است که تفسیر مقررات کنوانسیون حقوق دریاها در ارتباط با دزدی دریایی تا جایی مقبولیت دارد که مانع از تعقیب، محاکمه و مجازات دزدان دریایی نشود. اگرچه این تئوری نیز مخالفانی دارد. مخالفان معتقدند که هیچ الزامی در ماده ۱۰۰ کنوانسیون حقوق دریاها برای دول دستگیرکننده در تعقیب، محاکمه و مجازات دزدان دریایی وجود ندارد (Geiss & Petrig, 2011, p. 152). در عین حال که تعهد به همکاری دولت‌ها در مقابله با دزدی دریایی بر اساس ماده ۱۰۰ کنوانسیون حقوق دریاها آن‌چنان کلی است که از آن نقض تعهد بین‌المللی برداشت نمی‌شود، حتی در صورتی که برخلاف آن رفتار شود.

بر اساس مقررات ماده ۱۰۰ کنوانسیون حقوق دریاها تمام دولت‌های عضو تعهد دارند نسبت به دزدان دریایی در پرتو اصل صلاحیت کیفری جهانی اعمال صلاحیت و حاکمیت نمایند تا از قبیل آن امنیت

¹ United Nations Security Council (2013). p. 13; United Nations Security Council (2012). p. 12, United Nations Security Council (2011a). p. 3, & United Nations Security Council (2010). p. 3.

دریاها تضمین شود. این وضعیت برای مقابله با دزدی دریایی از سوی دولت‌های دارای نیروی دریایی قدرتمند به نایب از دولت‌هایی ایجاد شده است که تمایل یا توانایی مقابله با دزدی دریایی در مناطق انحصاری اقتصادی خویش را ندارند. لیکن دولت‌های دارای نیروی دریایی قدرتمند هم برای پرهیز از هزینه‌های تحمیلی، خود را مکلف به اتخاذ چنین رویکردی نمی‌دانند، مگر در جایی که منافع آن‌ها را به‌طور مستقیم به خطر بیندازد. بیشتر دول ساحلی در چنین شرایطی به مقابله با دزدی دریایی می‌پردازند، هرچند که به عضویت در کنوانسیون حقوق دریاها درنیامده باشند. از این منظر تأمین امنیت دریاها برعهده دول ساحلی است و سایر دولت‌ها نیز حداکثر ملزم به همکاری با دولت‌های ساحلی در صورت نیاز آن‌ها هستند، وقتی که وقوع دزدی دریایی در مناطق خارج از صلاحیت یک دولت مانند دریاها آزاد است. موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی دستگیرشده از سوی سایر دولت‌ها به دولت ساحلی برای محاکمه و مجازات، جلوه‌ای از این همکاری مقرر در ماده ۱۰۰ کنوانسیون حقوق دریاها است، اگرچه در مقام تعارض با ماده ۱۰۵ همان کنوانسیون است. با این ترتیب که دول دارای نیروی دریایی و کشتی‌های نظامی مستقر در دریاها آزاد به دستگیری و انتقال دزدان دریایی به قلمرو سرزمینی نزدیک‌ترین دولت ساحلی به دریاها آزاد و محل دستگیری دزدان دریایی (زین پس؛ دولت منطقه‌ای) می‌پردازند^۱.

مقررات مواد ۱۰۰ و ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها بر اعمال صلاحیت دولت‌ها بر دزدی دریایی در دریاها آزاد تکیه دارند، اما تصریح مشخصی بر جایگاه و اعتبار موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی دستگیرشده در دریاها آزاد به سایر دولت‌ها برای محاکمه و مجازات ندارند. این وضعیت از استرداد مجرم دارای تابعیت همسان با دولت ثالث یا ادعای مرسوم اعمال صلاحیت متقارن دو یا چند دولت در تعقیب، محاکمه و اعمال مجازات دزدان دریایی حسب آموزه‌های ناشی از اعمال صلاحیت سرزمینی، شخصی و واقعی، متمایز و واجد ابعاد حقوقی جدید ناشی از مفهوم موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی است که برای اولین بار در حقوق بین‌الملل کیفری دریاها متبلور شده است که بررسی ابعاد آن با توجه به

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

^۱ این وضعیت در شرایطی محقق است که به خطر افتادن منافع دولت دستگیرکننده نسبت به کشتی‌های تجاری، سکوها یا نفتی یا تاسیسات فراساحلی دلیل اصلی دستگیری دزدان دریایی نباشد (Salehi, 2018, p. 25). در چنین شرایطی اعمال حاکمیت دولت صاحب پرچم یا دولت ساحلی موضوعیت دارد و مبنای اعمال صلاحیت کیفری تحت هر عنوان اعم از دزدی دریایی، تروریسم دریایی یا دیگر عناوین مجرمانه است که موضوع این نوشتار نیست.

مقررات کنوانسیون حقوق دریاها و اصول حقوق کیفری موضوع این نوشتار قرار گرفته و سؤال اصلی پژوهش این است که کارکرد موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی در کنوانسیون حقوق دریاها چیست؟

رویکرد متفاوت دولت‌ها در مقابله با دزدی دریایی در دریاهای آزاد

سابقه مفهوم دزدی دریایی و مقابله با آن در عرصه بین‌المللی به آموزه‌های حقوق بین‌الملل عرفی و بایسته‌های حقوق معاهدات بین‌المللی برمی‌گردد. دو رویکرد متضاد در ارتباط با تعقیب و محاکمه دزدان دریایی از سوی دولت‌های دستگیرکننده دزدان دریایی در دریاهای آزاد وجود دارد. گروه اول، دولت‌هایی هستند که مدعی داشتن صلاحیت در تعقیب و محاکمه دزدان دریایی هستند، بدون این که هیچ مبنایی برای اعمال صلاحیت آن‌ها مانند؛ اصل صلاحیت شخصی بر اساس تابعیت مجرم یا بزه‌دیده، اصل صلاحیت واقعی یا اصل صلاحیت سرزمینی وجود داشته باشد تا ارتباط میان اقدامات دزدان دریایی با اعمال صلاحیت کیفری آن‌ها برقرار شود. این دسته از دولت‌ها در مناطق دریایی هستند که دزدی دریایی در نزدیکی قلمرو سرزمینی آن‌ها شایع است. آن‌ها به استناد عضویت در کنوانسیون حقوق دریاها و تبعیت از تعهد مقرر در ماده ۱۰۰ کنوانسیون در مبارزه با دزدی دریایی نقش مؤثری ایفاء می‌کنند و نظام حقوقی داخلی را برای لزوم جرم‌انگاری دزدی دریایی و آمادگی محاکم داخلی مجاب می‌کنند (Muneesamy, 2013, p. 173). قانون خشونت دریایی و دزدی دریایی موریس^۱، جلوه‌ای از این وضعیت است. بر این اساس آن‌ها به استناد اصل صلاحیت جهانی به محاکمه دزدان دریایی می‌پردازند که در آن تابعیت مجرم یا بزه‌دیده یا منافع تحت تجاوز موضوعیت ندارند؛ اما همین دولت‌ها مانند؛ موریس، کنیا و تانزانیا دارای کشتی جنگی یا نیروی نظامی قوی نیستند تا در نزدیک‌ترین مناطق از دریاهای آزاد از حیث جغرافیای با قلمرو سرزمینی دریایی خود به دستگیری و بازداشت دزدان دریایی بپردازند و امنیت مناطق دریایی و عبور و مرور کشتی‌های تجاری را برقرار کنند. از این حیث اعمال صلاحیت کیفری آن‌ها متکی به همکاری با گروه دوم از دولت‌ها است.

در مقابل گروه دوم، دولت‌هایی هستند که کشتی‌های جنگی و نیروی نظامی آن‌ها در دریاهای آزاد دزدان دریایی را پس از بازداشت و بدون برگزاری دادگاه محاکمات آن‌ها آزاد می‌کنند، به صرف این که از منظر آن‌ها توقیف تجهیزات و شناورهای در اختیار آن‌ها کفایت می‌کند. این دولت‌ها در توجیه رفتار خود به نفی امکان توسل به اصل صلاحیت کیفری سرزمینی، اصل صلاحیت کیفری شخصی و اصل صلاحیت

¹ Mauritius Piracy and Maritime Violence Act (2011).

کیفری واقعی در چنین وضعیت‌هایی استناد می‌کنند. آن‌ها در این شرایط با دولت‌های گروه اول وضعیت همسان دارند، لیکن دولت‌های گروه دوم به دشواری‌هایی اذعان دارند که پس از دستگیری دزدان دریایی در دریاها برای چگونگی و زمان تعقیب و محاکمه آن‌ها وجود دارد. از یک طرف، احتمال نقض استانداردهای حقوق بشری نسبت به دزدان دریایی از موجبات نگرانی مقامات ذی‌صلاح دخیل در موضوع است. شرایط حاکم بر دستگیری و شرایط نگهداری از زمان بازداشت تا زمان تحویل آن‌ها به محاکم کیفری داخلی باعث می‌شود تا طرح دعوی نقض آموزه‌های حقوق بشر بین‌المللی علیه آن‌ها قوت گیرد. از طرف دیگر، الزام دولت دستگیرکننده دزدان دریایی به اعمال صلاحیت کیفری در این رابطه به اعتقاد برخی با چالش‌هایی مواجه است که مؤید عدم تمایل آن است. اول این که مأموریت اصلی آن‌ها در ارتباط با حضور در دریاها آزاد مقابله با دزدی دریایی و دستگیری دزدان دریایی نیست و منابع مالی لازم برای انتقال دزدان دریایی به قلمرو سرزمینی دولت دستگیرکننده و محاکم کیفری متبوع آن‌ها مفقود است.

دوم این که دزدان دریایی پس از محاکمه و تحمل مجازات، همچنان در قلمرو سرزمینی دولت محاکمه‌کننده باقی می‌مانند و تقاضای پناهندگی می‌کنند. این امتیازی برای دزدان دریایی است که ناشی از مقررات ماده ۳ کنوانسیون اروپایی حمایت از حقوق بشر و آزادی‌های بنیادین^۱ است، در جایی که دولت دستگیرکننده از دول اروپایی و تحت الزامات ناشی از این کنوانسیون در اتحادیه اروپا باشد. دزدان دریایی همچنان حق دارند که جدای از سابقه کیفری خود و پس از اتمام دوره محکومیت در زندان دولت دستگیرکننده، تقاضای پناهندگی کنند. آن‌ها برای چنین تقاضایی باید اثبات کنند که ممکن است بعد از بازگشت به قلمرو سرزمینی دولت متبوع خود در معرض مجازات‌های شدید یا شکنجه یا رفتارهای غیرانسانی قرار گیرند. این شرایط همان هزینه‌ای است که ناشی از محاکمه دزد دریایی در محاکم کیفری دولت دستگیرکننده ایجاد شده است. ترس دول اروپایی از چنین تقاضاهایی از سوی دزدان دریایی در قلمرو سرزمینی آن‌ها و ناگزیر بودن آن‌ها به اعمال قانون حتی در ارتباط با دزدان دریایی وارد شده به قلمرو سرزمینی آن‌ها تحت هر عنوان و شرایط باعث شده است تا از نیروی دریایی متبوع خواسته شود تا از دستگیری و آوردن دزدان دریایی به قلمرو سرزمینی دول اروپایی خودداری شود (Etzioni, 2010, p. 54). این وضعیت در ارتباط با انتقال دزدان دریایی به هر دولت غیرمتبوع دیگری، غیر از دولت دستگیرکننده نیز صادق است. اگر دزدان دریایی به دولت متبوع آن‌ها تحویل داده شوند، هزینه تقاضای

¹ European Convention for the Protection of Human Rights and Fundamental Freedoms (1950).

تابعیت مجدد منتفی است، لیکن برای دولت دستگیرکننده این امکان وجود ندارد که پس از دستگیری و بازداشت آن‌ها قائل به تفکیک و اعزام آن‌ها به دول متبوع از سرتاسر دنیا باشد.

سوم این که چه بسا دولت دستگیرکننده یا دولت متبوع دزد دریایی واجد ساختار حقوقی لازم و توانایی کافی برای انجام تحقیقات، محاکمات و منابع لازم برای اعمال مجازات حبس محکومان به دزدی دریایی نباشد (United Nations Security Council, 2011b, p. 44). منصرف از این که اثبات دلایل وقوع جرم دزدی دریایی یا احضار شهود مؤید آن به دادگاه‌های متبوع دولت دستگیرکننده یا دولت متبوع دزد دریایی، به دلیل دوری از محل وقوع جرم و گذشت زمان طولانی از لحظه وقوع جرم و بازداشت تا زمان حضور در محاکم داخلی، از دشواری‌هایی است که منجر به شکست دادستان دولت دستگیرکننده در رعایت معیارهای محاکمه عادلانه می‌شود. این وضعیت به معنای بی‌نتیجه ماندن اهداف مدنظر نیروی دریایی دولت دستگیرکننده دزدان دریایی در دریاهای آزاد و انتقال آن‌ها به دادگاه‌های کیفری داخلی یا متعلق به دولت متبوع دزدان دریایی برای محاکمه و مجازات و درنهایت ایفای نقش مؤثر در مقابله با دزدی دریایی و ایفای تعهدات بین‌المللی است. در این شرایط آزاد کردن دزدان دریایی پس از خلع سلاح کردن آن‌ها در نزدیک‌ترین سواحل در مسیر کشتی که مبادرت به دستگیری آن‌ها کرده است، در اولویت کار آن‌ها است با این تصور که همان نتیجه میسر شده است، بدون این که هزینه زیادی دربرداشته باشد. آزاد کردن دزدان دریایی در سواحل سومالی از سوی نیروی دریایی کشورهای مختلف در سال‌های اخیر، نمونه‌ای از این دست است، با این استدلال که دزدی دریایی بر اساس قوانین داخلی آن‌ها جرم‌انگاری نشده بود و امکان دستگیری و محاکمه آن‌ها با مستند دیگری برای محاکم داخلی وجود نداشته است.

دزدی دریایی اگر از سوی اتباع داخلی یا علیه اتباع داخلی یا نسبت به منافع ملی آن یا در قلمرو سرزمینی دریایی صورت نگرفته باشد، ضرورت اعمال حاکمیت دولتی را منتفی می‌کند که نیروی نظامی آن در دریاهای آزاد به دستگیری دزدان دریایی پرداخته است. مگر این که ضرورت اعمال حاکمیت آن با اتکا به اصل صلاحیت جهانی احساس شود که آن هم برای بسیاری از دولت‌ها جدی نیست. منصرف از این که تعهد به تعقیب دزدان دریایی بر اساس اصل صلاحیت جهانی، تکلیفی ناشی از مقررات کنوانسیون حقوق دریاها است، درحالی که اصل تعقیب، محاکمه و مجازات نیازمند قوانین کیفری داخلی است که در سیاهه قوانین اکثر کشورها مفقود است. باوجود این، اکثریت دولت‌های دستگیرکننده در سال‌های اخیر دارای سازوکارهای لازم برای تعقیب و محاکمه دزدان دریایی در محاکم داخلی هستند، لیکن این کار را در راستای تحقق منافع ملی نمی‌دانند، وقتی که از انفعال در این ارتباط صدمه یا ضرری به آن‌ها یا موقعیت

آن‌ها در عرصه بین‌المللی وارد نمی‌شود. این در حالی است که صرف دستگیری دزدان دریایی به معنای اتکای آن‌ها به اصل صلاحیت کیفری جهانی و اعمال حاکمیت از این طریق است که باید تا محاکمه و مجازات پیش برود. این الزام به قصد و عملکرد کمیسیون حقوق بین‌الملل در تدوین ماده ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها مرتبط است تا فقط دولت دستگیرکننده قادر به محاکمه و مجازات دزدان دریایی باشد که آن‌ها را در دریاهای آزاد دستگیر و بازداشت کرده است. در این شرایط اولویت آن‌ها برای شانه خالی کردن از تعهد بین‌المللی مبارزه با جرائم بین‌المللی در پرتو اصل صلاحیت جهانی، گزینه موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی به دولت‌های منطقه‌ای است. این موافقت‌نامه‌ها، از اولویت‌های دولت منطقه‌ای است که بیشترین آسیب را از عملکرد دزدان دریایی می‌بینند یا از سوی سایر دولت‌ها به حساب ناتوانی دولت منطقه‌ای در مبارزه با دزدی دریایی و تأمین امنیت مناطق دریایی دور از ساحل گذاشته می‌شود. دولت منطقه‌ای از این موافقت‌نامه‌ها استقبال می‌کند و به همکاری با دولت دستگیرکننده می‌پردازد و کمترین مسئولیت در تحقق محاکمه و مجازات عادلانه در حق دزدان دریایی را می‌پذیرد.

مفهوم و کارکرد موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی

موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی دستگیرشده در دریاهای آزاد به دولت منطقه‌ای، به معنای انتقال یا تفویض صلاحیت کیفری از یک دولت به دولت دیگر است. هرچند دریاهای آزاد، قلمرو سرزمینی آن نیست و چه بسا ممکن است هیچ رابطه‌ای از حیث تابعیت یا ایراد خسارات میان دولت محاکمه‌کننده و دزدان دریایی برقرار نباشد. همان‌طور که این رابطه ممکن است میان دولت دستگیرکننده و دزدان دریایی مفقود باشد. به بیان دیگر دزدان دریایی از دولتی به دولتی تحویل می‌شوند که هیچ کدام از دول متبوع آن‌ها یا قربانیان یا دول صاحب پرچم کشتی حملات دزدان دریایی نیستند، دزدی دریایی در قلمرو سرزمینی آن‌ها نیست و مصالح ملی آن‌ها هم به خطر نیفتاده است. پرواضح است که با توجه به محل وقوع جرم دزدی دریایی و دستگیری آن‌ها که در دریاهای آزاد بوده است، صلاحیت دولت محاکمه‌کننده بر اساس اصل صلاحیت کیفری سرزمینی هم نیست که موضوع مقررات ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق دریاها قرار گرفته است، مگر این که حملات دزدان دریایی متوجه کشتی حامل پرچم آن باشد که بخشی از قلمرو سرزمینی آن در دریاها تلقی می‌شود. کشتی، جزیره شناور و جزئی از قلمرو سرزمینی تحت صلاحیت دولت صاحب پرچمی است که تابعیت آن را پذیرفته است و تحت مقررات آن به ثبت رسیده است. دولت ساحلی در دریای سرزمینی واجد صلاحیت کیفری سرزمینی در مبارزه با تمام جرائم، توقیف کشتی و بازداشت خدمه آن است. این وضعیت جلوه‌ای از اعمال حاکمیت دولت ساحلی است (Salehi, 2020, p. 175)، هرچند که تعقیب دزدی دریایی در دریای سرزمینی بر اساس مقررات کنوانسیون حقوق دریاها

موضوعیت ندارد؛ اما این شرایط به معنای ممنوعیت ایجاد صلاحیت کیفری بر اساس قوانین داخلی در مقابله با رفتارهای مشابه دزدی دریایی در آب‌های سرزمینی نیست. این شرایط در تبعیت از الگویی است که به اعتقاد برخی با قید «راهزنی مسلحانه علیه کشتی‌ها» در قطعنامه‌های شورای امنیت راجع به مقابله با دزدی دریایی در دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی پیش‌بینی شده است (Poorbafrani; Omid, 2017, p. 37). با وجود این دولت منطقه‌ای به موجب موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی دستگیر شده از سوی سایر دولت‌ها ملزم به تحویل گرفتن و محاکمه دزدان دریایی دستگیر شده در دریاهای آزاد است. بخشی از این الزام ناشی از قطعنامه‌های شورای امنیت در ارتباط با دزدی دریایی است (United Nations Secretary General, 2019, p. 11) که باید در چارچوب آموزه‌های حقوق بین‌الملل عمومی و حقوق بین‌الملل دریاهای تفسیر پذیر و توجیه پذیر باشد. این در حالی است که در واقع مبنای آن در مقررات کنوانسیون حقوق دریاهای آزاد داده شده است. لیکن جایگاه و مشروعیت موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی دستگیر شده از سوی سایر دولت‌ها به دولت منطقه‌ای برای تحت تعقیب قراردادن و محاکمه و مجازات آن‌ها در کنوانسیون حقوق دریاهای مشخص نیست.

با وجود این، موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی به معنای حضور دو دولت در مسئله دزدی دریایی است که دولت اول، دزدان دریایی را دستگیر می‌کند و به دولت دوم تحویل می‌دهد تا دولت دوم به اعمال صلاحیت کیفری در تعقیب و محاکمه آن‌ها بپردازد. این در حالی است که دولت اول همچنان بر اساس اصل صلاحیت جهانی مکلف به اعمال صلاحیت کیفری در محاکمه و مجازات دزدان دریایی دستگیر شده است، لیکن آن با تخلف از مقررات ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق دریاهای این صلاحیت را به دولت دیگری واگذار می‌کند، وقتی خود را بنا به اصول صلاحیت کیفری شخصی و واقعی ملزم به اعمال حاکمیت سرزمینی و حفظ منافع از این طریق نمی‌بیند. این در حالی است که دولت دوم نیز بر اساس اصول صلاحیت کیفری شخصی، واقعی و سرزمینی واجد چنین حقوقی نیست و آن هم همانند دولت دستگیرکننده به استناد اصل صلاحیت جهانی مکلف به محاکمه دزدان دریایی بازداشت شده از سوی دیگر دولت‌ها و تعهد به همکاری از این طریق است. چه بسا در میان دستگیرشدگان از اتباع دولت منطقه‌ای وجود نداشته باشند و یا این که حملات نسبت به کشتی‌های صاحب پرچم آن نباشند. در این شرایط هر دو دولت بدون این که ذی‌نفع در تعقیب، محاکمه و مجازات دزدان دریایی باشند، به اتکا اصل تعهد به همکاری در مقابله با دزدان دریایی در دریاهای آزاد و مناطق خارج از صلاحیت خویش مکلف به طی چنین مراحل هستند. هر چند که برخی با این تئوری مخالف هستند و رسیدگی محاکم دولت منطقه‌ای را

فاقد مبنای حقوقی ارزیابی کرده‌اند (Ghasemi & Setayeshpur, 2019, p. 227). لیکن آن موضع‌گیری صحیح نیست. چراکه نص مقررات مواد ۱۰۰ و ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها مؤید تفسیر صحیح و موجد صلاحیت برای تمام دولت‌های متمایل به همکاری در این ارتباط هستند که در سال‌های اخیر به عنوان تنها چاره مقابله با دزدی دریایی با کمترین تنش با مقررات کلی حقوق بین‌الملل دریاها و اصول حقوق بین‌الملل عمومی در نظر گرفته شده است.

واگذاری اعمال صلاحیت قضایی بر محاکمه و مجازات دزدان دریایی از سوی دولت دستگیرکننده به دولت ثالث از منظر برخی منطبق با اصول حقوق بین‌الملل عام و صلاحیت کیفری است، هرچند که آن‌ها معتقدند که این شرایط با مقررات کنوانسیون حقوق دریاها هم‌خوانی ندارد (Kelley, 2011, p. 2286)؛ اما مقررات ماده ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها با محوریت ماده ۱۰۰ کنوانسیون حقوق دریاها راجع به تعهد به همکاری دارای دو شق است. شق اول آن در ارتباط با صلاحیت اجرایی است که به تمام دولت‌ها اجازه می‌دهد تا کشتی و تمام اموال بر روی عرشه یا مورد استفاده در دزدی دریایی را توقیف کنند و کلیه اشخاص دخیل در آن را بازداشت کنند. این وضعیت مقدمه‌ای برای اعمال صلاحیت قضایی است که موضوع شق دوم مقررات ماده ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها است. از این حیث، شق دوم آن در ارتباط با صلاحیت قضایی محاکم کیفری دولتی است که بازداشت دزدان دریایی و توقیف اموال آن‌ها را انجام داده است تا نسبت به جریان محاکمه و مجازات‌هایی تحمیلی تصمیم‌گیری کند. درحالی که به نظر می‌رسد دولت دارای صلاحیت قضایی همان دولت دارای صلاحیت اجرایی است، اما وحدت دو دولت دارای صلاحیت اجرایی و دارای صلاحیت قضایی در اینجا موضوعیت ندارد. بر اساس این تفسیر می‌توان دولت محاکمه‌کننده را غیر از دولت دستگیرکننده ارزیابی کرد. البته این تئوری دارای مخالفانی است. برخی معتقدند که در ماده ۱۰۵ کنوانسیون مشخص نشده است که دولت دستگیرکننده دزدان دریایی در این ارتباط می‌تواند به کدام یک از دو صلاحیت اجرایی یا صلاحیت قضایی متوسل باشد؟ (Bevilacqua, 2014, p. 224) از این منظر تمایز میان صلاحیت اجرایی و قضایی صحیح نیست، وقتی که هر دو از اصل صلاحیت کیفری نشأت می‌گیرند. ماده ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها در مقام ارائه چارچوب کلی صلاحیت کیفری تعقیب دزدی دریایی در دریاهای آزاد است. فرایند تعقیب، محاکمه و مجازات دزدان دریایی به قوانین کیفری داخلی متکی است. قوانین کیفری داخلی دولت دستگیرکننده، تعیین‌کننده است، به همان میزان که قوانین کیفری دولت محاکمه‌کننده نیز تعیین‌کننده است. در این شرایط توأمان بودن صلاحیت اجرایی و قضایی ملاک عمل است و تمایز میان آن‌ها و واگذاری هر کدام به یک دولت محل

تردید است، در جایی که هر دو به اعمال حاکمیت و استقلال عملکرد استناد می‌کنند. این وضعیت از شرایط موافقت‌نامه همکاری قضایی و ایفای نقش یک دولت به عنوان پلیس و دیگری به عنوان محکمه قضایی متفاوت است که در برخی از امور کیفری فراسرزمینی رایج است.

لذا برخی دیگر معتقدند که دولت دستگیرکننده با بازداشت دزدان دریایی در مقام اجرای صلاحیت قضایی است (Roach, 2010, p. 410)، و لذا فقط محاکم کیفری آن مجاز به محاکمه و مجازات دزدان دریایی دستگیر شده از سوی مقامات اجرایی آن است. این تفسیر اگرچه منطقی است، لیکن چنین تفسیری از ماده ۱۰۵ کنوانسیون قابل برداشت نیست که الزاماً دو دولت مذکور در دو قسمت ماده ۱۰۵ کنوانسیون باید یکسان باشند، در جایی که قید همکاری دولت‌ها در مبارزه با دزدی دریایی مقرر در ماده ۱۰۰ کنوانسیون حقوق دریاهای مؤید آن است با این وجه اشتراک که هر دو مواد ۱۰۰ و ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاهای به مناطق خارج از صلاحیت یک دولت یعنی دریاهای آزاد اشاره دارند. درعین حال که نباید نادیده گرفت چه‌بسا دولت خواهان اعمال صلاحیت قضایی، توانایی بازداشت دزدان دریایی را نداشته باشد و به همین ترتیب دولت دستگیرکننده نیز تمایل محاکمه و مجازات دزدان دریایی دستگیر شده را نداشته باشد. در این شرایط دولت خواهان اعمال صلاحیت کیفری در محاکمه و مجازات دزدان دریایی، لزوماً دولت دستگیرکننده آن‌ها در دریاهای آزاد نیست، درحالی که دولت دستگیرکننده نیز ملزم به محاکمه و مجازات آن‌ها در محاکم کیفری داخلی نیست. منصرف از این که اقدام دولت دستگیرکننده در بازداشت و تحویل آن‌ها به دولت متبوع آن‌ها در مقام مساعدت و همکاری با سایر دولت‌ها در مبارزه با دزدی دریایی است که توانایی اعزام کشتی و نیروی نظامی به دریاهای آزاد برای بازداشت و آوردن دزدان دریایی به قلمرو سرزمینی و محاکم کیفری متبوع را ندارند، اما به دلیل موقعیت جغرافیایی از اقدامات دزدان دریایی متأثر و ناامن هستند.

مباشرت دولت دستگیرکننده در محاکمه و مجازات دزدان دریایی یا واگذاری این مسئله به دولت دیگر با مبانی اصول صلاحیت کیفری در سایر جرائم شامل؛ اصل صلاحیت سرزمینی، شخصی یا واقعی بی‌تأثیر است که اکثر دول ساحلی در ارتباط با جرائم واقع در دریای سرزمینی یا منطقه انحصاری اقتصادی بدن‌ها استناد و اعمال حاکمیت می‌کنند. مبنای برقراری رابطه میان دو دولت دستگیرکننده و دولت محاکمه‌کننده در مسئله دزدی دریایی، همان موافقت‌نامه دوجانبه انتقال دزدان دریایی است که در قلمرو دریاهای آزاد مرتکب جرم شده‌اند و موضوع ماده ۱۰۰ کنوانسیون حقوق دریاهای آزاد، قلمرو سرزمینی دولت‌ها نیستند تا بر این اساس اعمال صلاحیت قضایی دولت دستگیرکننده ضرورت داشته باشد

که کشتی‌های جنگی آن در این قلمرو حضور بیشتری دارند. دولت دستگیرکننده دزدان دریایی که واجد حق اولویت برای محاکمه و مجازات افراد بازداشت شده است، حق دارد تا از اعمال صلاحیت قضایی اعراض کند. اگر دزدان دریایی دارای تابعیت دولت دستگیرکننده نیستند و منافع ملی آن را تحت الشعاع قرار نداده‌اند، هیچ سازوکاری برای الزام دولت دستگیرکننده به اعمال صلاحیت قضایی بر اساس اصل صلاحیت جهانی وجود ندارد. عبارات ماده ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاهای مبین صلاحیت انحصاری دولت دستگیرکننده دزدان دریایی در دریاهای آزاد بر تعقیب، محاکمه و مجازات آنان و مانع از اعمال صلاحیت جهانی از سوی سایر دولت‌ها نیست. این در حالی است که برخی معتقدند که توسل به موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی با حقوق عام دریاهای منطبق نیست، لیکن همکاری قضایی با دولت‌های منطقه‌ای دریایی از این طریق نیز با مانع جدی مواجه نیست (Bevilacqua, ibid, p. 228). موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی برای دولت دستگیرکننده از سازوکارهای مؤثر و سازنده در رفع چالش‌های اجرایی و قضایی ناشی از عدم تمایل آن به تعقیب و مجازات دزدان دریایی دستگیرشده در محاکم داخلی است.

دولت منطقه‌ای در تعامل قراردادی با دولت دستگیرکننده

دولت‌های عضو کنوانسیون حقوق دریاهای نیازمند قانون‌گذاری در عرصه داخلی هستند، اما تکلیفی در سطح بین‌المللی بر لزوم جرم‌انگاری دزدی دریایی در نظام حقوق ملی کشورها وجود ندارد. تصمیم‌گیری در این ارتباط به صلاحدید دولت‌ها واگذار شده است. دولت‌های غیرعضو کنوانسیون حقوق دریاهای در این ارتباط آزادی عمل بیشتری دارند، درحالی‌که دول عضو کنوانسیون حقوق دریاهای برای تعقیب دزدی دریایی در محاکم داخلی نیازمند قوانین کیفری داخلی هستند. این وضعیت با تعهد دولت‌ها به محاکمه یا تعهد به استرداد مرتکب جرم در سایر اسناد بین‌المللی از جمله؛ کنوانسیون منع اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی^۱ قابل مقایسه است. به‌عنوان مثال، دولت ایران به عضویت در کنوانسیون منع اعمال غیرقانونی علیه ایمنی دریانوردی درآمده است، درحالی‌که به عضویت کنوانسیون حقوق دریاهای دریانورده است. تعهد به تعقیب دزدان دریایی در پرتو اصل صلاحیت جهانی متکی به عضویت در کنوانسیون حقوق دریاهای است، درحالی‌که مقررات کنوانسیون حقوق دریاهای از مستندات محکومیت دزدان دریایی نیست. باوجود این همکاری دولت‌ها با دولت دیگر در معرض دزدی دریایی در دریاهای آزاد به عضویت در کنوانسیون حقوق دریاهای یا قوانین داخلی متکی نیست. تلاش‌های نیروی دریایی ارتش دولت جمهوری

¹ International Maritime Organization Convention for the Suppression on Unlawful Acts against the Safety of Maritime Navigation (1988). art. 10.

اسلامی ایران، نمونه‌ای از شرایط است (Sajjadpour & Abdolhoseini, 2018, p. 21). البته این وضعیت منصرف از قطعنامه‌های شورای امنیت در ارتباط با ایجاد تعهد برای مقابله با دزدی دریایی است. اما این شرایط شامل تمام دولت‌های عضو سازمان ملل نیست، به جز دولت‌هایی مانند کنیا، سیشل، موریس و تانزانیا که به صورت موردی مخاطب قطعنامه‌های شورای امنیت در ارتباط با لزوم به همکاری در مقابله با دزدی دریایی قرار گرفته‌اند، به همان‌نحو که ماده ۱۰۰ کنوانسیون حقوق دریاها بدان تصریح دارد.

بر این اساس، اتحادیه اروپا^۱ و دولت‌هایی مانند؛ آلمان، دانمارک، بریتانیا و ایالات متحده با دولت کنیا به تنظیم موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی پرداخته‌اند (Kontorovich, 2010, p. 255). این در حالی است که تحویل دادن دزدان دریایی به دولت متبوع آن‌ها ارجح است، که نیازمند موافقت‌نامه دوجانبه انتقال دزدان دریایی هم نیست؛ اما در عمل تفکیک میان دزدان دریایی از ملیت‌های متفاوت و الزام دولت دستگیرکننده به تحویل آن‌ها به دولت متبوع آن‌ها در موقعیت‌های جغرافیایی متعدد سرتاسر جهان امکان‌پذیر نیست. این وضعیت حاکی از حق انتخاب دولت دستگیرکننده است، بدون این که به اصل حاکمیت و تعهدات بین‌المللی آن در تعقیب جرائم ذیل اصل صلاحیت جهانی در تعارض باشد. لذا دولت دستگیرکننده در تحویل دزدان دریایی دارای حق انتخاب است که آن‌ها را به دولت متبوع آن‌ها، دولت متبوع قربانیان حملات دزدان دریایی، دولت صاحب پرچم کشتی موضوع حمله دزدان دریایی یا به دولت نزدیک به محل بازداشت آن‌ها (دولت منطقه‌ای) تحویل دهد. با وجود این، دولت دستگیرکننده برای کاستن از هزینه‌های جابجایی دزدان دریایی آن‌ها را به اولین و نزدیک‌ترین دولت ساحلی نزدیک به محل دستگیری آن‌ها تحویل می‌دهد. در این شرایط دولت منطقه‌ای با تکلیفی مواجه است که اجرای آن را دولت دستگیرکننده بر اساس اصل صلاحیت جهانی مقرر برای مبارزه با دزدی دریایی در مقررات کنوانسیون حقوق دریاها برای آن ایجاد می‌کند، درحالی که دولت دستگیرکننده خود نیز با آن تکلیف مواجه است.

توسعه صلاحیت دادگاه‌های داخلی یک کشور به جرائم بین‌المللی در نتیجه اصل صلاحیت جهانی، از سازوکارهایی است که برای احتراز از خلأهای اصول صلاحیت کیفری سرزمینی و واقعی است که در

¹ Exchange of Letters between the European Union and Seychelles (2009); Agreement between the European Union and Mauritius (2011); Exchange of Letters between the European Union and Kenya on the conditions and modalities for the transfer of persons suspected of having committed acts of piracy and detained by the EUNAVFOR (2009); Agreement between the European Union and the United Republic of Tanzania on the Conditions of Transfer of Suspected Pirates and Associated Seized Property from the European Union-Led Naval Force to the United Republic of Tanzania (2014).

ارتباط به دزدی دریایی مفقود است. دزدی دریایی و عواقب ناشی از آن ذیل اصل صلاحیت واقعی قرار نمی‌گیرد و وقوع دزدی دریایی در قلمرو سرزمینی دریایی بر اساس مقررات ماده ۱۰۱ کنوانسیون حقوق دریاها منتفی است. دزدی دریایی از جرائمی است که با دریاها آزاد و قلمروهای خارج از صلاحیت دولت ساحلی مرتبط داده شده‌اند و امکان وقوع آن‌ها در دریای سرزمینی و آب‌های داخلی تحت صلاحیت دولت ساحلی نیست. این وضعیت با تصور این که اصل صلاحیت جهانی در ارتباط با دزدی دریایی در دریاها آزاد به عنوان تنها راه چاره برای تعقیب دزدی دریایی می‌باشد، پیچیده‌تر هم شده است. تعقیب دزدی دریایی در دریاها آزاد از سوی دولت غیرمتبوع دزدان دریایی با ممنوعیت مواجه نیست، اگر حملات دزدان دریایی به کشتی حامل پرچم آن یا اتباع آن صورت گرفته است که در کشتی مورد حمله بوده‌اند. این وضعیت در ارتباط با دولت‌هایی است که قائل به اصل صلاحیت جهانی در مقابله با دزدی دریایی نیستند. بر این اساس تصور عدم امکان تعقیب دزدان دریایی در دریاها آزاد از سوی دولت‌های غیرمتبوع دزدان دریایی، اشتباه است، به صرف این که دریاها آزاد از صلاحیت سرزمینی تمام دولت‌ها خارج است. در چنین شرایطی تعقیب دزدان دریایی از سوی دولت غیرمتبوع دزدان دریایی همیشه متصور است، مگر این که چنین دولتی نتواند یا نخواهد به اعمال حاکمیت و صلاحیت کیفری در دریاها پردازد، به همان نحو که دولت متبوع دزدان دریایی رفتاری مشابه دارد. در این شرایط است که کارایی اصل صلاحیت جهانی و مکلف کردن تمام دولت‌ها به تعقیب و محاکمه دزدان دریایی در محاکم سرزمینی مشاهده می‌شود، هرچند که کوچک‌ترین ارتباط بر اساس اصول صلاحیت کیفری سنتی با وضعیت پیش آمده وجود نداشته باشد. این بهایی است که برای تحقق امنیت دریایی پرداخت می‌شود، درحالی که دزدی دریایی در دریاها آزاد این امنیت را به خطر می‌اندازد.

دولت منطقه‌ای بر اساس اصول صلاحیت کیفری سنتی در محاکمه و مجازات دزدان دریایی در محاکم داخلی ذی‌نفع نیست. لیکن این تصور غلط است. حفظ امنیت دریانوردی در مناطق نزدیک به دولت منطقه‌ای از اولویت‌هایی است که باعث می‌شود تا دولت منطقه‌ای مجاب به همکاری در سرکوب دزدی دریایی با دولت دستگیرکننده دزدان دریایی باشد، هرچند که آن بر اساس اصول صلاحیت کیفری سنتی به نحو مقرر برای سه دولت متبوع دزدان دریایی، متبوع قربانیان جرم و صاحب پرچم کشتی در محاکمه و مجازات دزدان دریایی مکلف به اعمال حاکمیت و جلب منافع نیست. باوجود این دولت منطقه‌ای نه تنها از تحویل گرفتن دزدان دریایی دستگیرشده از سوی سایر دولت‌ها در دریاها آزاد خودداری نمی‌کند، بلکه با دولت‌هایی که توانایی و امکانات بازداشت دزدان دریایی را در دریاها آزاد دارند مبادرت به تنظیم

موافقت‌نامه دوجانبه انتقال دزدان دریایی می‌پردازد. این تفسیر با فلسفه ایجاد اصل صلاحیت جهانی برای تحقق صلح و امنیت بین‌المللی نیز هم‌خوانی دارد که تمام دولت‌ها باید برای آن تلاش کنند. حمل و نقل دریایی، بستری برای تجارت تمام دولت‌ها است که اقدامات مجرمانه دزدان دریایی آن را به خطر می‌اندازد و اقتصاد بین‌الملل را تحت‌الشعاع قرار می‌دهد. بر این اساس تمام دولت‌ها در تعقیب و محاکمه دزدان دریایی دارای نفع بالفعل یا بالقوه هستند. دولت منطقه‌ای در این شرایط مشابه سایر دولت‌های متبوع دزدان دریایی، قربانیان دزدی دریایی یا صاحب پرچم کشتی و خواهان اعمال صلاحیت قضایی است، درحالی‌که اصل صلاحیت جهانی، مستند عملکرد آن است.

گسترش استفاده از موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی، رویه‌ای مقبول و در هماهنگی کامل با مواد ۱۰۰ و ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها است. در ماده ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها، چیزی که مدنظر دولت‌های تنظیم‌کننده مقررات آن بوده است، ایجاد صلاحیت جهانی و مبارزه با بی‌کیفرمانی دزدی دریایی در دریاهای آزاد بوده است (Kazemi & Heidari, 2019, p. 51) که با این تفسیر از مقررات ماده ۱۰۵ کنوانسیون هم‌مخدوش نمی‌شود. دولت خواهان اعمال صلاحیت کیفری در تعقیب و محاکمه بدون توجه به ملیت دزدان دریایی یا قلمرو سرزمینی محل وقوع دزدی دریایی با استناد به اعمال صلاحیت جهانی به تعقیب و محاکمه آن‌ها می‌پردازد یا آن‌ها را به موجب موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی به دولت متبوع آن‌ها مسترد می‌کند. دولت بازداشت‌کننده بر اساس تفسیر فوق از دو قسمت مجزای ماده ۱۰۵ کنوانسیون مجاز به اجرای اصل صلاحیت جهانی در قسمت اول یعنی اعمال صلاحیت اجرایی و چشم‌پوشی از قسمت دوم یعنی اعمال صلاحیت قضایی و واگذاری آن به دولت دیگر است که بر اساس اصل صلاحیت شخصی، واقعی یا جهانی تمایل به اعمال صلاحیت قضایی در ارتباط با دزدان دریایی دارد. این وضعیت ناشی از تفسیر شق دوم ماده ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها است که مجوز توسل به موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی و ایفای نقش دو دولت دستگیرکننده و دولت محاکمه‌کننده در موضوع دزدی دریایی است.

نتیجه‌گیری

دولت‌های دارای نیروی دریایی و کشتی‌های جنگی مستقر در دریاهای آزاد در راستای اعمال تعهدات بین‌المللی و اعمال حاکمیت در مقابله با دزدی دریایی به بازداشت دزدان دریایی می‌پردازند. این تعهد ناشی از مقررات مواد ۱۰۰ و ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها است که به لزوم همکاری با سایر دولت‌ها در مقابله با دزدی دریایی در پرتو اصل صلاحیت جهانی اشاره دارد؛ اما نیروی دریایی این دولت‌ها مجاب به آزادی دزدان دریایی پس از بازداشت و توقیف تجهیزات در اختیار آن‌ها هستند که هم با تعهد همکاری با

سایر دولت‌ها و هم با اصل صلاحیت جهانی در مقابله با دزدی دریایی منافات دارند. آن‌ها این اقدام خود را توجیه کرده‌اند، لیکن این توجیحات از حیث حقوقی مقبولیت ندارند. آن‌ها نمی‌توانند با اتکا به اصل صلاحیت جهانی به بازداشت دزدان دریایی پردازند، لیکن از محاکمه و مجازات آن‌ها خودداری کنند و به آزادی آن‌ها پردازند. چنین رویه‌ای در حقوق کیفری داخلی و بین‌المللی مسبوق به سابقه نیست. لذا در سال‌های اخیر دولت‌های دستگیرکننده دزدان دریایی برای احتراز از چنین وضعیتی به این نتیجه رسیده‌اند تا راهکار میانه‌ای را در پیش بگیرند و افراد دستگیرشده را با استناد به موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی به دولت‌های منطقه‌ای دریایی تحویل دهند که از حیث جغرافیایی به محل دستگیری آن‌ها در دریاهاى آزاد نزدیک هستند تا از این طریق هم عدالت کیفری محقق شود و هم از هزینه‌های تحمیلی مبرا باشند.

دولت دستگیرکننده با توسل به این ابزار هم به همکاری با جامعه جهانی می‌پردازد و هم محاکم داخلی خویش را درگیر موضوعاتی نمی‌کند که با مؤلفه‌های اعمال حاکمیت درون‌سرزمینی آن ارتباطی ندارند. در این شرایط هر دو دولت دستگیرکننده و محاکمه‌کننده به اصل صلاحیت جهانی استناد می‌کنند، با این تفاوت که یکی صلاحیت اجرایی آن را و دیگری صلاحیت قضایی آن را برعهده می‌گیرد. درحالی‌که صلاحیت اجرایی در مسئله بازداشت و انتقال دزدان دریایی به قلمرو سرزمینی دولت دیگر از صلاحیت قضایی آن منفک نیست. بدین معنا که صلاحیت قضایی محاکمه و مجازات دزدان دریایی نیز برعهده دولت دستگیرکننده است. عدول دولت دستگیرکننده از این وضعیت اگرچه مطلوب نیست، اما بهتر از انفعال کامل دولت دستگیرکننده است، درجایی که سایر دولت‌ها دارای امکانات لازم برای دریانوردی در دریاهاى آزاد و برقراری امنیت دریایی نیستند. در صورت فقدان سازوکار موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی برای دولت دستگیرکننده چاره‌ای نیست، جز این که به بازداشت دزدان دریایی نپردازد یا این که او را بلافاصله آزاد کند، وقتی که دزدی دریایی با اصول صلاحیت کیفری سنتی آن شامل اصل صلاحیت سرزمینی، صلاحیت شخصی و صلاحیت واقعی مرتبط نیست. مضرات وضعیت دوم برای صلح و امنیت بین‌المللی به مراتب بیش از مضراتی است که از وضعیت اول متوجه مؤلفه‌های اعمال صلاحیت کیفری و تفکیک آن از صلاحیت اجرایی می‌شود.

دولت دستگیرکننده در پرتو موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی به صلاحیت اجرایی مستخرج از ماده ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها استناد می‌کند و به بازداشت دزدان دریایی می‌پردازد و آن‌ها را برای اعمال صلاحیت قضایی به دولت دیگری تحویل می‌دهد که طرف موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی است. این وضعیت با اصول صلاحیت کیفری سنتی در تعارض است؛ چراکه منشأ صلاحیت اجرایی در صلاحیت

کیفری است، زمانی که دولت دستگیرکننده بخشی از صلاحیت قضایی، یعنی بازداشت متهمین و انتقال آن‌ها را برای محاکمه در دادگاه‌های دولت دیگر انجام می‌دهد. این آسیبی است که ناشی از تفکیک میان بازداشت و محاکمه دزدان دریایی از سوی دو دولت صورت می‌گیرد، درحالی که همان اصل صلاحیت کیفری واحد، مبنای آن است که به صورت توأمان دو نتیجه شامل بازداشت و محاکمه را دربردارد. براساس اصل صلاحیت کیفری دولت دستگیرکننده مجاز به آزاد کردن دزدان دریایی پس از بازداشت آن‌ها و توقیف اموال در اختیار یا تحویل دادن آن‌ها به دولت ثالث نیست. هر چند که دولت دستگیرکننده با اولویت اصل صلاحیت کیفری شخصی مثبت یا منفی، اصل صلاحیت واقعی یا اصل صلاحیت سرزمینی یا صاحب پرچم کشتی مورد حمله دزدان هم مواجه نباشد. این وضعیت در ارتباط با دولت منطقه‌ای نیز صادق است که به موجب موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی مکلف به تحویل گرفتن دزدان دریایی است که خود یا قربانیان یا کشتی مورد حمله از اتباع آن نیستند، جرم در قلمرو دریای سرزمینی آن صورت نگرفته است و منافع واقعی آن حتی در دریاهاى آزاد را دزدان دریایی نیز تحت الشعاع قرار نداده‌اند.

هر دو دولت دستگیرکننده و محاکمه‌کننده در این شرایط با اصل صلاحیت جهانی برای مقابله با دزدی دریایی مواجه هستند و تقسیم مسئولیت یا واگذاری مسئولیت به یکدیگر تحت این شرایط بی‌معناست، مگر این که دولت دستگیرکننده دارای قوانین لازم داخلی برای تعقیب و مجازات دزدان دریایی در محاکم داخلی نباشد. مواد ۱۰۰ و ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها مؤید این تفسیر هستند که تنها مبنای اصل صلاحیت جهانی در ارتباط با دزدی دریایی هستند و فرایند تعقیب و میزان مجازات دزدان دریایی به قوانین و محاکم داخلی واگذار شده است که شامل هر دو دولت دستگیرکننده و محاکمه‌کننده می‌باشد. بر این اساس هر دو دولت دستگیرکننده و محاکمه‌کننده دارای تعهدات یکسان هستند، لیکن در نتیجه تفسیر از مقررات مواد ۱۰۰ و ۱۰۵ کنوانسیون حقوق دریاها به تقسیم کار پرداخته‌اند که در سایر حوزه‌های اعمال حاکمیت و اعمال صلاحیت کیفری در سایر جرائم بدین نحو معمول نیست. باوجود این، تکلیف دولت محاکمه‌کننده مبتنی بر اصل صلاحیت جهانی و حفظ امنیت منطقه‌ای است که در آن واقع شده است. توسل به موافقت‌نامه انتقال دزدان دریایی فقط در ارتباط با شرایطی است که عمل مجرمانه در دریاهاى آزاد صورت می‌گیرد و منجر به بازداشت آن‌ها بدین‌خاطر می‌شود. لیکن این فرمول از شرایط وقوع دزدی دریایی در قلمروهای تحت صلاحیت دولت ساحلی متمایز و مانند تمام جرائم ذیل مقررات ماده ۲۷ کنوانسیون حقوق دریاها است و تابع الزامات ناشی از تعهدات دولت‌ها در ارتباط با قلمرو سرزمینی، تابعیت یا منافع ملی و بین‌المللی قرار می‌گیرد. این شرایط در سایر جرائم به‌طور کلی و یا دزدی دریایی در

مناطق تحت صلاحیت یا حاکمیت دولت ساحلی به لحاظ نادیده گرفتن اصول حاکم بر اعمال صلاحیت کیفری و تفکیک صلاحیت اجرایی از صلاحیت قضایی در امور کیفری با ممنوعیت جدی مواجه است.

References

- Agreement between the European Union and Mauritius (2011). No. OJEU L 254/3.
- Agreement between the European Union and the United Republic of Tanzania on the conditions of transfer of suspected pirates and associated seized property from the European Union-Led Naval Force to the United Republic of Tanzania (2014).
- Bevilacqua, G. (2014). Transfers of piracy suspects, a crucial element of the regional prosecution strategy in light of international law of the sea, in Eva, M.; Gomez, V., & Cinelli, C. (eds.), *Regional strategies to maritime security: a comparative perspective; second marsafenet volume regional strategies*, Valencia, 213-228.
- Etzioni, A. (2010). Somali pirates: an expansive interpretation of human rights. *Texas Review of Law and Politics*, 15(1), 39-60.
- European convention for the protection of human rights and fundamental freedoms (1950).
- Exchange of letters between the European Union and Kenya on the conditions and modalities for the transfer of persons suspected of having committed acts of piracy and detained by the EUNAVFOR (2009). No. OJEU L79/52.
- Exchange of letters between the European Union and Seychelles (2009). No. OJEU L 315/37.
- Geiss, R., & Petrig, A. (2011). *Piracy and armed robbery at sea; the legal framework for counter-piracy operations in somalia and the gulf of aden*, Oxford scholarship online.
- Ghasemi, Gh., & Setayeshpur, M. (2019). International c. miii t's acts to confronting modern piracy. *Iranian Research Letter of International Politics*, 7(2), 217-238. (in Persain).
- International maritime organization convention for the suppression on unlawful acts against the safety of maritime navigation (1988).

- Kazemi, S., & Heidari, S. (2019). Trial of piracy defendants in the international criminal court (ICC). *International Studies Journal*, 16(2), 49-69. (in Persian).
- Kelley, P. R. (2011). Unclos, but no cigar: overcoming obstacles to the prosecution of maritime piracy. *Minnesota Law Review*, 95(6), 2285-2317.
- Kontorovich, E. (2010). A Guantanamo on the sea: the difficulty of prosecuting pirates and terrorists. *California Law Review*, 98(1), 243-275.
- Mauritius piracy and maritime violence Act, 2011.
- Muneesamy, J. N. (2013). Counter-piracy state practice in mauritius, in; Andreoene, G.; Bevilacqua, G.; Cataldi, G., & Cinelli C. (eds.), *Insecurity at sea: piracy and other risks to navigation*, Giannini editore, 173-180.
- Poorbafrani, H.; Omid, A., & Gholizadeh, B. (2017). Analyzing the legal doctrine on necessity of equaling modern piracy with terrorism (with emphasis on piracy off the coast of somalia). *Journal of Legal Studies*, 9(2), 27-50. (in Persian).
- Roach, J. A. (2010). Countering piracy off somalia: international law and international institutions. *American Journal of International Law*, 104(3), 397-416.
- Sajjadpour, M. K., & Abdolhoseini, A. (2018). Iran and the security threat of piracy. *Journal of Foreign Policy*, 31(3), 7-36. (in Persian).
- Salehi, J. (2018). Jurisdiction in the international law of the sea in conflict between right to protection of offshore facilities and freedom of navigation. *Journal of Oceanography*, 8(32), 21-30. (in Persian).
- Salehi, J. (2020). Provisional measures and its implications in the international tribunal on the law of the sea's judicial procedure; a manifestation of the defendant's human rights considerations with respect to the victim's requirements. *Journal of Comparative Law Review*, 11(1), 171-190. (in Persian).
- United nations secretary general (2019). Report of the united nations secretary general on the situation with respect to piracy and armed robbery at sea off the coast of somalia.
- United nations security council (2010). Res 1950, UN Doc. S/RES/1950.
- United nations security council (2011a). Res 2015, UN Doc. S/RES/2015.

United nations security council (2011b). Report of the special adviser to the secretary general on legal issues related to piracy off the coast of somalia, UN Doc. S/2011/30.

United nations security council (2012). Res 2077, UN Doc. S/RES/2077.

United nations security council (2013). Res 2125, UN Doc. S/RES/2125.

